

عرفان در ارتباط با مطالعه نصوص و الواح مبارکه امر بهائی*

شاپور راسخ

موجب کمال مسرت و افتخار بنده است که در مراسم افتتاح سیزدهمین دوره مجمع عرفان به زبان فارسی شرکت می‌کنم و مانند همه شما از محضر جمعی از اساتید و محققان ارجمند بهائی بهره می‌برم.

مجامع علمی در سراسر عالم بسیار تشکیل می‌شود که بیشتر هم آنها مصروف بر شناخت درست طبیعت و عالم مادی و پدیده‌های طبیعی و مادی است اما عرفان مرتبه والاتری از علم است زیرا اولاً به شناسائی عالم هستی اکتفا نمی‌کند و طالب معرفت موجد هستی است. ثانیاً در مقابل علم سطحی و قشری قرار می‌گیرد و خواستار وقوف به دقائق و رموز هر چیزی است. عرفان به معنی خاص یافتن حقائق اشیاء به طریق کشف و شهود است. به این جهت تصوف را در عالم اسلام یکی از شعب و جلوه‌های عرفان دانسته‌اند و بعضی هم گفته‌اند که عرفان جنبه علمی و ذهنی تصوف است و تصوف جنبه عملی عرفان. و به هر حال یکی از مباحث عمده و حتی هدف اصلی تصوف همان معرفت یا عرفان است.

اگر بخواهیم عرفان را با موازین چهارگانه ادراک چنان که حضرت عبدالبهاء در مفاوضات مبارکه تشریح فرموده‌اند مقابله کنیم عرفان هم از ادراک حسی و هم از ادراک عقلی بالاتر است و با درک منقولات هم مشتهب نمی‌شود بلکه نوعی فیض روح القدس است که به فرموده مبارک «به انسان می‌رسد و در آن مقام یقین حاصل می‌شود»^۱

در بحثی که قریباً راجع به کتاب شریف ایقان خواهم کرد^۲ انشاءالله این موضوع یقین و صور و انواع آن روشن خواهد شد چه از دیدگاه علما و چه از منظر عرفا. در این جا غرض بنده بیان این نکته اصلی است که وقتی فرد در سبیل الهی مجاهده کند به شهادت قرآن مجید خدا هم او را به راههای خود هدایت می‌کند و به عبارت دیگر عرفان حاصل می‌گردد که مرادف آن علمی است که مانند نور خدا آن را در قلب هر که می‌خواهد می‌افکند.

به نظر حقیر در همین نکته یعنی کیفیت حصول عرفان همه برنامه مطالعات بهائی مستتر است: خواندن، به خاطر سپردن، نقل و بحث کردن و تفکر در باره کلام حق البتّه مهمّ است ولی معرفت محتاج صفای قلب و روح نیز هست تا این یک تجلّی‌گاه فیوضات روح القدس شود و وقتی شد هر آگاهی به آگاهی‌های دیگری نیز رهبر خواهد شد. این است که معهد اعلی جامعه بهائی را نه فقط به مطالعه نصوص مبارکه دعوت و تشویق می‌فرمایند بلکه به حصول روحانیت که اساس است نیز هدایت می‌کنند.

سخن از مجمع عرفان بود. یکی از ابتکارات ستودنی کارگردانان این مجمع مطالعه منظم و پی‌گیر آثار مبارکه حضرت بهاءالله است که این اجتماع گام نخستین در این راه محسوب می‌شود. ارتباط با نصوص الهی یکی از عوامل عمده تقلیب نفس آدمی و نیل به روحانیت است که به ضرورت آن اشارت رفت.

جهان ماکه جهان زمان تدر و پرشتاب است غالباً به ما فرصت آن را نداده است که آثار الهی را با دقت و امعان نظر که شایسته است مطالعه کنیم زیرا هر عبارت و حتّی هر کلمه مستلزم غور و تعمقی است که در شرائط عادی زندگی‌های تحت فشار به دست نمی‌آید. اما چنین مجمعی فرصتی است بسیار ارزنده و مغتنم که در این دریای پهناور غوطه‌ور شویم و بسا لثالی گرانبهای معانی به دست آوریم.

جمال اقدس ابهی فرموده‌اند همچنان که غذا از برای اجساد لازم است همین قسم از برای ارواح واجب و حضرت عبدالبهاء تصریح نموده‌اند که «آیات غذای روح است، [بدان] روح قوی می‌شود و بدون آن از کار می‌افتد.»^۳

و باز از حضرت بهاءالله است که «فی الحقیقه از برای هر عضوی از اعضاء رزقی مقدر است. یا حَبْذا النِّعْمَةُ الَّتِي قَدَّرْتَ لارواح المخلصین و هی آیات الله و کلماته و بیان الله و برهانه.»

پس مطالعه آثار مبارکه باید ما را به مرحله عرفان رهنمون شود و این وقتی حاصل می‌شود که این بیان مبارک مندرج در کتاب مستطاب اقدس را به کار بندیم: «اغتمسوا فی بحر بیانی لعلّ تطلعون بما فیهِ من لثالی الحکمة و الاسرار.»^۴

اما کسب علم در امر مبارک الزامات و تکالیفی را در مقابل انسان قرار می‌دهد که مهم‌ترین آنها به کار بردن دانش برای خدمت در عین کسب فضیلت اخلاقی است. ناگفته نماند که بر سر راه اهل

علم دام‌های فراوانی گسترده شده که پرهیز از آنها کمال ضرورت را دارد و بنده به برخی از آنها اشاره می‌کنم که شاید مسؤولیت معنوی اهل علم بهتر روشن شود. از جمله این دام‌ها است: غرور و کبر، طرز تفکر جزمی که انعطافی نمی‌پذیرد، اصرار در رأی و لجبازی، غفلت از اهمیت ارزش‌های اخلاقی که از واقعیات قابل تفکیک نیستند، بی‌اعتبار شمردن هر چه با منطق خشک عقل تنها جور نیاید یعنی انکار کشف و شهود و وحی و الهام، نشر افکار مقرون به ظنّ و گمان و شکّ و تردید، اغراض و اهواء مادی و وساوس نفس اماره و نظائر آن که به اکثرش در کتاب مستطاب ایقان اشاره شده است و بالاخره فراموش کردن این اصل که علم برای عمل و خدمت است و ثمره درخت علم فضیلت است.

مطلب به درازا کشید. معذور دارید. سخن را با این شعر لسان الغیب حافظ شیرازی خاتمه می‌دهم که مناسب مجلس ما است:

جان‌پرور است قصّه ارباب معرفت
رمزی برو پیرس و حدیثی بیا بگوی

یادداشت‌ها

- * سخنان دکتر شاپور راسخ در مراسم گشایش سیزدهمین دوره مجمع عرفان در مرکز مطالعات بهائی اکوتو (ایتالیا) در جون ۱۹۹۷.
- ۱- حضرت عبدالبهاء، مفاوضات عبدالبهاء، نشر دوّم (قاهره: فرج‌الله زکی الکردی، ۱۳۲۹ هـ ق، ۱۹۲۰ م)، چاپ جدید (دهلی نو: مؤسسه مطبوعات امری هند، ۱۹۸۳ م)، ص ۲۰۸.
 - ۲- رک به مقاله «کتاب مستطاب ایقان» در همین شماره.
 - ۳- عبدالحمید اشراق‌خاوری، گنجینه حدود و احکام، نشر سوّم (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۸ ب)، چاپ جدید (دهلی نو: مؤسسه مطبوعات امری هند، ۱۹۸۰ م)، صص ۱۵۰-۱۵۱.
 - ۴- حضرت بهاء‌الله، کتاب اقدس، بند ۱۸۲.